

انقلاب قهرآمیز و استراتژی انقلابی

یکی از اختلافات اساسی اعضای انقلابی حزب توده و دیگر مارکسیست لنینیستهای ایران است. "کمیته مرکزی" بر سر راه انقلاب در ایران است. در تمام دوران مبارزه حزبی سالهای اخیر این مسئله در قلب مسائل مورد اختلاف قرار داشته است. گروهها و سازمانهای حزبی که "رهبری" قطع رابطه کردند با شعار "تسلیم توده ها" - "فصلیت خود را آغاز نمودند و سپس شعار انقلاب قهرآمیز را بعنوان راه رهایی خلقهای ایران میان مردم بردند. امروز شعار "همه چیز رخند" - "ارزوه مسلحانه و همه فعالیتهای در جهت احیای حزب طبقه کارگر ایران در سر لوجه روز" - "نامه توده" میدرخشد. بسیاری از مقالات روزنامهها مربوط با انقلاب قهرآمیز و مبارزه مسلحانه است. بنظر ما تاکید بر روی اصل انقلاب قهرآمیز در مبارزه با ریزه ریزه های رژیم پهلوی و در دوران امپریالیسم امپریالیستی ضروری بوده و هست.

"هر چه امپریالیست ها به پایان محتوم خود نرسد دیگر میشوند اقدامات آنها طبعه منقهر مردم - سبانهتر میگردد. آنها برای حفظ وجود پت - خود و باز یافتن منافع از دست رفته از توسل به هر چه ضروری است اقدام میکنند. همیشه نشان داده شده است که ارتجاعیون در برابر بیم مرگ دست از تفکر بر نمیدارند و در حال احتضار با نااهمال ما جراحیوانه بی فرجامی دست میزنند. جای - آنست که سخنان رفیق ما توه توه را که در شرایط کوبنی اهمیت بسیاری کسب میکند اینجا بیاوریم: " ایجاد آشوب و عدم موفقیت باز هم ایجاد آشوب و عدم موفقیت و این کار تا نهدام آنها چنین اسگ منطبق امپریالیستها و تمام مرتجعین در برابر آرمانهای خلق و آنها هرگز منطبق دست نخواهند کشید. این یک قانون مارکسیستی است " (تصورات واهی را رها کنید و آماده مبارزه شوید)".

تجاوز و حیسانه بویتام بهترین وجهی عقاصد امپریالیسم آمریکا را در مرحله کوبنی نشان میدهد. آنها نه تنها میخواهند جنبش رها بی بخش خلق ویتنام جنوبی را سرکوب سازند بلکه خود را بر این کشور آماده دهند بلکه در همین حال کوشش میکنند با نشان دادن نیروی خود به خلقهای آسیا، آفریقا و امریکای لاتین که به مبارزه ضد امپریالیست بر خاسته اند آنها را - مرطب کنند و از این مبارزه منصرف نمایند. این - تجاوز در همین حال اعمال زوری بکشورهای سوسیالیستی و شانزدهی برای انصراف آنها از کمک مبارزه انقلابی و رهایی بخش خلقهای آسیا است. بالاخره این تجاوز جز "لاتیجزا و حلقهای از استراتژی امپریالیسم آمریکا علیه جمهوری تود - دهای چین است که آمریکا دشمن اصلی خود - میشارد و امروز سزبه های اساسی خود را متوجه آن ساخته است."

امپریالیسم آمریکا بویژه در این اواخر فعالیت تجاوز گارانه خود را علیه کشورهای سوسیالیستی افزایش داده و در جبهه وسیعی بتهاجم علیه جنبشهای رهایی بخش خلقهای آسیا پرداخته است. در کنار ویتنام سرکوبی خونین قیام مردم جمهوری دموکراتیک کنگو، توطئه های نظامی در اندونزی و در یک سری از کشورهای دیگر - آفریقا و امریکای لاتین نشان دهنده افزایش

رویزیویست ها و شاه

در شهر پورماه امسال شاه بکشورهای پارساستان، مجارستان و لهستان سفر کرد. اظهارات و اقدامات رهبران رویزیویست این کشورها و ارزیابی آنان از رژیم شاه مایه تر روابط این قویله کشورهای سوسیالیستی را با ایران روشنتر کرد. سفر قبلی شاه برومانی و اطلها - رات مقامات رسمی این کشورها چنان موجدی از نقرت در میان مردم ایران - بوجود آورد که حتی رهبران "حزب توده" نیز خود را مجبور بگله گذاری دیدند. خوب د یواری از دیوار رومانی کوتاه تر نیست زیرا این کشور برای حفظ استقلال اقتصادی خود در برابر دست اندازیهای شوروی مقاومت میکند و در جنبش فاعلای جنبش جهانی کمونیستی موضعی وزای شوری دارد.

روزنامه مردم در مقاله ای که "در پیرامون مسافرت های شاه" منتشر ساخته است "بهبود و توسعه

حالی واقعیت این گفتهها را در برتو مسافرخیر شاه مورد مطالعه قرار دهم: شاه روز دهم شهر پور وارد صوفیه شد. رویزیویستهای بلخار برای اینکه از همگان رومانی خود عقب نمانند همانروز شاه و دکترای افتخاری اعطا کردند. شورای دانشگاه صوفیه بتایش "شایستگی و ارزش بالای آن باحضرت در زمینه های فرهنگی علمی و تعلیم و تربیت برد - خست بخنوان" نمونه ای از حقیقتی، شورای فرهنگی دانشگاه صوفیه باتفاق آرا تصمیم گرفت درجه - دکترای افتخاری دانشگاه صوفیه را باطیحضرت شاهنشاه آریا مهر بدهد" (از سخنان رئیس دانشگاه) "به بدینترتیب رویزیویستها جلا د خود - نخواستاری را که فقر و بیسوادی مردم ایران نتیجه

دستگیری ۲۵ نفر از دین پرستان در ایران

طبق آخرین اخباری که از ایران رسیده رژیم شاه باز عده ای از میهنپرستان را بزندان و شکنجه گاه کشیده است. چهل و پنج میهنپرست ایرانی ظاهرا باتهام تشکیل گروهی بنام "گروه ارنس" دستگیر گردیده اند. از نام و سرنوشت آنان تا کنون اطلاع دقیقی در دست نیست.

چه کسانی مفهوم انقلاب را تحریف میکنند؟

سفر نمایندگان شوروی بایران برای شرکت در کنفرانس بین المجالس موقعیتی بود تا مردم با نظر رویزیویستها درباره انقلاب بهتر آشنا شوند. بهینند آنهاستیک ما را بعلت قبول راه قهرآمیز مشهم بتحریف مفهوم انقلاب میکنند خود چگونگی نه انقلاب را میفهمند.

"آقای ژوگ نماینده پارلمان شوروی اظهار داشت: در سایه توجهات مخصوصا طیحضرت شاهنشاه ایران پیشرفتهای سریع و بسیار موثر در ایران مشاهده میشود. ناپاینده شوروی افزون در ایران انقلاب اصلاحات ارضی بدون خونریزی صورت گرفت و این موفقیت قبل از هر چیزی نشانه خرد مندی شاهنشاه ایران است. نماینده شوروی ادامه داد که شاهنشاه ایران انقلاب اساسی خود را با خرد مندی هرچه پیشرفته تر رسانده اند." اطلاعات هوایی ۱۳۴۵/۷/۱۶

حال راستی چه کسانی مفهوم انقلاب را تحریف میکنند؟ آنهاستیک سرنگونی رژیم شاه را از راه انقلاب قهرآمیز امکان پذیر میدانند یا آنها که اقدامات همین شاه را انقلاب میخوانند؟؟

گواهی باد خاطره شهیدان دانشگاه پیروز باد مبارزه دانشجویان ایران!

شانزدهم آذر ماه ۱۳۲۲ روز شهادت بزرگ نیا قندچی و شریعت رضوی است "۱۶ آذر" منجول مبارزه دانشجویان ایران علیه استبداد و برای آزادی دانشگاه و مردم است. ۱۳ سال پیش در چنین روزی تفنگداران شاه دانشجویان را که علیه اشغال نظامی دانشگاه تظاهرات میکردند هدف گلوله های خود قرار دادند. سه تن بر زمین غلطیدند خون گلگون آنها در هم آمیخت و حماسه پر - شوری در تاریخ مبارزات دانشجویی ما آفرید. مرگ آنها بیپوده نبود. مرگ انقلابیون هرگز بیپوده نیست. افتادن یکی باعث برخاستن صد ها بجای او میگردد. مرگ انسان انقلابی در مبارزه آموزنده است و توده های مردم را تربیت می کند.

شاه در این سیزده سال از هیچ جنبشیتی علیه دانشجویان سرباز نزده است. آنها را دسته دسته از کلاسهای درس بخت دست سر بلژی کشیده. ماموران خود را در سراسر دانشگاه - گمارده و کوچکترین مخالفتی را با حبس و شکنجه و گلوله پاسخ داده است. ولی دانشجویان از قدرت ظاهری او نمیهراسند. هر گروهی در ایران بخاطر مبارزات میهنپرستانه دستگیر میگردد. نام دانشجویان در میان آنگروه بچشم میخورند. در خارج از کشور با وجود ارباب و تهدید دائم و فشار های گوناگون دانشجویان لحظه ای از مبارزه بخاطر خواستها و آرمانهای خود باز نمیایستند.

اگر دانشگاه امروز خاموش است این خاموشی دیرری نخواهد پایید. دانشجویان ایران که دوشاد و پش مردم قهرمان ما پیگها کرده - اند دوباره آتش مبارزه را هرچه سرکنش تر در قلب میهنمان بر خواهند افروخت. شهادت این میهنپرستان توده ای و جبهه ای از میهنپرترها محو نخواهد شد و الهام بخش مبارزین امروز و آیندند خواهد بود.

اطلاعیه
فلا محسن فروتن، احمد قاسمی و عباس صفایی از سازمان انقلابی حزب توده ایران در خارج از کشور اخراج گردیده اند.
هیئت اجراییه سازمان

بقیه از صفحه اول

انقلاب قهرآمیز و استراتژی...

دولتی بود بطور عمده نیروهای مسلح... اساس هر انقلابی است و تا کنون هیچ انقلاب توده‌ای بدون نیروی مسلح خلق به پیروزی نرسیده و مستحکم نگشته است.

باید دارای ارتش نیرومندی باشد، بعضی‌ها به طبعن ما را طرفداران شوروی قدرت مطلق جنگ میخوانند، آری ما طرفدار ارتش مطلق جنگ خلقی نیستیم.

زحمتکش فقط بکام اصلاحیه می‌تواند بر زمین ایران بزرگ و پیروزی مسلح پیروز شوند.

تجربه مبارزه طبقاتی در دوران امپریالیسم و شرایط ترور و اختناقی که همه بوجود آن در ایران اندها دارند نشان می‌دهد که انقلاب میهن مانیز بدون نیروی مسلح خلق به پیروزی نخواهد رسید.

روستا با شرایط طبیعی و اجتماعی خود حلقه ضعیف تسلط ارتجاع است، دستگاه پلیسوارتنی که در شهر می‌توانند باسانی مقاومت مردم را سرکوب کنند در روستا بسیاری از امکانات خود را از دست می‌دهند و با مشکلات فراوانی روبرو میشوند.

ولی برای مبارزه خلق روستا زمینه مساعد نیست که حفظ و رشد آنها را امکان پذیر می‌آورد.

از طرف دیگر روستا پایگاه نیروی عمده انقلاب است و مکرراتیک نوعی دهقانان است. پیش از هفتاد درصد مردم میهن ما را دهقانان تشکیل می‌دهند و تعداد آنان با زمین داران بزرگ ارتجاعی های اساسی جامعه ماست.

توانستند در جریان مبارزه با گدشتن از این رخسارهای گوناگون راه بسیج این نیروی شوکت‌فرایابانند و با رهبری آن انقلاب میهن خود را پیروزی رسانند.

ما در پرتو تجارب انقلابی کشورهای که اکثریت جمعیت آنها دهقانان تشکیل می‌دهند با تکیه با آموزشهای موکد لنین، ستالین و مائوتسه تونگ در باره دهقانان و ارزیابی مجدد نیروهای دهقانی در ایران باین نتیجه رسیدیم که دهقانان پیوسته دهقانان فقیر و مزدوران کشاورزی و دهقانان عظیمترین نیروی بالقوه انقلاب هستند.

پس برای بسیج آنان از دست داده‌هاست، در سالهای اخیر اصلاحات ارضی لحظاتی دهقانان را بدستگاه و اقدامات او امیدوار ساختن و هر روز که میگذرد دهقانان با تجربه شخصی خود به پیچ بودن این اصلاحات بیشتر می‌پیوندند.

آنان سخت تر میشود و تعداد روزافزونی آوارگی شهر و غربت میگردند، این قسوس و آوارگی پذیرفتن ایده‌های انقلابی را دارد و هنگامیکه به نفع خود به عنوان طبقاتی متمکن و استثمار شوند آگاه شد می‌توانند تحت رهبری پرولتاریا به مسوولانه‌ترین و بی گبرترین اقدامات انقلابی دست بزنند.

این ایده را که دهقانان در خواب فرو نروند و اند و تا پرولتاریا آنها را بیدار نکند انقلاب به پایان رسیده است از سر بیرون کرد. انقلاب قهرآمیز توده‌ها در ایران بدون شرکت دهقانان یعنی اکثریت مطلق زحمتکشان میهن ما پیروزی نخواهد رسید و هم آنها هستند که خیل سربازان ارتش انقلابی را تشکیل میدهند.

علاوه بر این ایجاد ارتش خلق در روستاها در دوران امپریالیسم محتضر برای پیروزی انقلاب و تحکیم آن اهمیتی تعیین کننده دارد. در این دوران باید بطور جدی روی مداخله ارتش‌های امپریالیستی برای سرکوبی انقلاب حساب کرد و باز در دهات و با ارتش خلق است که می‌توانند متجاوزین را شکست داد.

تحقق استراتژی جنگ خلق بدون مبارزه در تمام زمینه‌ها بدون کار مداوم در میان تمام قشرها و طبقات امکان پذیر نیست. مرکز ثقل کار انقلابی در شهر طبقه کارگر است. طبقه کارگر ایران نیروی رهبری کننده انقلاب ضد امپریالیستی در میهن ماست.

مشکل کردن کارگران و سوق آنان بسوی ایجاد حزب کمونیست یک حزب طراز نوین لنینی خط مشی اصلی سازمانها و عناصر کمونیست لنینیست است.

حزب طراز نوین طبقه کارگر ایران باید برای رهبری موفقیت آمیز جنگ خلق تمام زحمتکشان شهر و ده را بسیج متشکل و مسلح کند و وجهه‌های متحد از تمام نیروهای که اتحاد با آنها علیه امپریالیسم امکان پذیر است بوجود آورد.

بقیه از صفحه اول

رویزینویست‌ها و شاه

وجود رژیم جابر اوست قهرمان خلق و عدالت اجتماعی و ضد استبداد رژیم و فرهنگ صریح میکنند و از کسیکه بزرگترین خدمت را به ملت فرهنگ استعماری در ایران نموده است. حقشناسی می‌نمایند.

حال اگر با کمال ساده لوحی رژیم دانشگاه را جز "این یا آن مامور" حساب آوریم و فرض کنیم که در یک کشور سوسیالیستی ممکن است بدون موافقت حزب و دولت بشاه دکتری اختاری داده شود دیگر اظهارات نخست وزیران و روسای جمهور این کشورها را نمیتوانیم انحراف شخصی این یا آن مامور تلقی کنیم.

ژئوکف نخست‌وزیر بلغارستان در مباحثه خود با خبرنگاران ایرانی میگوید: "سیاست مستقل ملی شاهنشاه ایران سیاستی اصولی و صحیح است و ما سیاست شاهنشاه ایران کدر جهت پیشرفت و ترقی ایران و دفاع از صلح و همزیستی مسالمتی با آن مامور تلقی کنیم.

بسیج و متشکل کردن زحمتکشان در پشت‌صوف دشمن برای دفاع از حقوق حیاتی خود یکی از وظایف اساسی حزب است و انجام این وظیفه مستلزم ایجاد تحکیم و توسعه سازمانهای توده‌ای بر حسب یک خط مشی صحیح است. حزب هر جا که توده‌های مردم هستند مبارزه آنها را سازمان میدهد در کارخانه‌ها دانشگاهها - مدارس ادارات موسسات بازار و هر جای دیگر مردم را در سازمانهای توده‌ای متشکل میکند بر سازمانهای موجود رخنه میکند و همزبونی آنها را بدست میگیرد.

حزب در تمام مبارزات روزمره مردم شرکت مینماید. مبارزات خود بخودی را در مجرای صحیح مینماید و با نقشه عمل میکند. حزب مبارزه در شهر را در کار استراتژی جنگ خلق رهبری میکند، در مواقع متناسب اهتمام براه می‌اندازد، تظاهرات و میتینگ تشکیل میدهد و در موارد لازم بکار سازمانها در مراکز حیاتی دشمن دست میزند، او ارتباط روستا و ارتش خلق را با شهر برقرار می‌سازد، جمع‌آوری کمک رساندن نفعات راه‌های دوطولیم و غیره همه از وظایف اوست.

برای انجام رسالت خطیر خود ستاد سیاسی طبقه کارگر باید دارای یک خط مشی درست در امر ساختمان حزب باشد تکیه روی ساختمان ایدئولوژیک حزب، ایجاد و تحکیم سازمانهای حزبی، کسب و رزیم و با کیفیت بالا و ذخیره نیرو در شهر نکات اصلی این خط مشی است.

حزب باید مبارزه خلقی و مغزی را با هم تلفیق دهد، بدین ترتیب نیروی او حفظ میشود رشد می‌یابد و نفوذ سیاسی او نیز توسعه پیدا میکند. حزب باید برای تضعیف پشت جبهه دشمن - دائما مانورهای سیاسی او را افشاکند و به پایگاه‌های سیاسی او حمله نماید و با تصام وسائل در صفوف او و در میان مردم تبلیغات بپرازد، بنا بر این "کار در شهر" ایجاد - مشکلات مغزی حزب مبارزه سیاسی و توده‌ای در تمام کشور، نه تنها منافاتی با مبارزه مسلحانه در روستا ندارد بلکه جزء لاینفک آن بشمار میرود و بدون این آن دیگر معنای خود را از دست میدهد، جنگ خلق چنانکه در بالا نیز اشاره کردیم ترکیب این دو مبارزه با یکدیگر است.

آزمایش در روز میفرستیم (پیغام امروز ۳۱/۵/۶۱)

بعد از نخست وزیر و رئیس جمهور بلغارستان نیز بشما شرم‌آوری و دوستی های سیاست‌شاه صحنه میگردد: "طالبی که شاهنشاه ایران طی سخنان خود در بلغارستان بیان داشتند «طالبی بود که بقلب طموها مردم صلح دوست جهان نشست و من با هر دو دست خود پای این سیاست صحنه میگردد و حد در حد با - اظهارات شاهنشاه ایران توافق عقیده دارم".

(پیغام امروز ۳۱/۵/۶۱) اوشابرتیس جمهور لهستان و نخست‌وزیر لهستان نیز از مهره عقب نمینانند. نخست‌وزیر مجارستان میگوید: "ما از نزدیک با افکار بلند شاهنشاه ایران آشنا شدیم و سیاست خارجی مصلحانه و اصلاحات اجتماعی عینی که در ایران بعمل آورده‌اند درود میفرستیم".

(پیغام امروز ۲۳/۵/۶۱) اوشابرتیس جمهور لهستان بشاه اظهار میکند: "شما رهبری کشوری هستید که برهبری آن اطمحضر برای صلح و آزادی و استقلال تلاش کرده و پایتنگر شاهنشاه خریدند خود بتقریبات خیره کننده‌ای نائل آمده است." (پیغام امروز ۲۶/۵/۶۱)

بدین ترتیب بزم آنها سیاست رژیم کودتا یک سیاست مستقل ملی است و مردم ایران بر رهبری شاه برای صلح و آزادی و استقلال مبارزه میکنند رهبران این کشورها بتن دشمن خلق ایران و کشورهای سوسیالیستی لباس دوست میپوشانند این کار جز خیانت بخلق ایران و پرولتاریای جهان نام دیگری ندارد. مسئول مستقیم این خیانت رهبران رویزینویست این کشورها هستند.

ارزیابی آنها از رژیم شاه و تصویری که از این رژیم برای مردم ایران طرح میکنند باعث گمراه کردن خلق و باز داشتن او از مبارزه میگردد. چنین ارزیابی‌هایی برای کسانی که مستقیم رویزینویسم معاصر را شناخته‌اند تعجب‌آور نیست، آنها با کندی و جانسون رافرشده صلح و نمایندگان واقعی مردم امریکا میدانند چرا محمدرضا شاه را قهرمان همزیستی مسالمت آمیز و رهبر مردم ایران نشاناسد؟ این امر اشتباهی تصادفی نیست، وقتی معیار ارزیابی بجای مارکسیسم - لنینیسم، رویزینویسم باشد نتیجه بهتر از این نخواهد بود. این کمونیستهای قلابی که در گمراه کردن مردم ایران بر یکدیگر سبقت میجویند همه شاگردان مکس رویزینویسم خروشیف هستند. اظهارات آنها همه بمثابة تأیید حد در حد رژیم کودتا است و این تأیید همه جانبه نور تازه‌ای بر ماهیت روابط رویزینویست‌ها با شاه می‌اندازد.

توجه در روزنامه‌های ایران از قول نمایندگان و رهبران کشورهای سوسیالیستی نقل می‌شود تا وقتی از طرف خود آنها تکذیب نشد برای ما سندیت ندارد.

مردم ایران برای رفائی میهن رستمان از زندان، شکنجه و اعدام مبارزه کنید

قبر انقلابی و کینه طبقاتی را تبلیغ کنیم!

در شرایط کنونی دشمن خود را مردم یعنی شما طوری وانمود کنیم که گوی با عملیات جدید راه برانداختن وی نه از طریق قهرآمیز که جواب نگیرد مایهتس است بلکه از راهی دیگر امکان پذیر میگردد و تازه اینرا هم مثل روزیونستها با هزار اما و اگر شاید تا آنجا که ممکنست میباید و نا روشن گردانیم. نه از برعکس مایهتس هر چه روشنتر سازیم که مبارزه با این دشمن بر سر مرگ و زندگی است و جز از يك راه معين ناهود قطعی او و درهم شکستن وسیله حکومت او یعنی ارتش و دستگاه اداری امکان برقراری حکومت خلق وجود ندارد. یعنی در حقیقت ماهیت طبقات حکومت موجود مرحله انقلاب و راه انقلاب با هم رابطهای ناگسستی دارند و این سه مساله را باید در ارتباطشان با یکدیگر تمین کنیم و اگر بخواهیم مانند نویسندگان "مردم و دنیا" آنها را از یکدیگر تفکیک کنیم ناچار بنتایجی نادرست می رسمیم که جز بمضای گول زدن مردم و خیانت بنافع آنان نیست.

اگر راه انقلاب معلوم باشد آنگاه تبلیغات يك سازبان انقلابی نیز باید در جهت آتراه و برای تدارك آن باشد. در اینمورد مساله تشدید احساسات ضد رژیم بوجود آوردن شور انقلابی در مردم از بین بردن سردرگمی و حالت شك و تردید مبارزه با هرگونه خوش بینی نسبت برقرام مبارزه با برهبا دادن بررهمها و دادن جنبه مثبت یعنی همان در همین جهت است. برای خود کومینستها و لقمه انقلابی نیز در این زمینه باید ماهیت طبقاتی رژیم را هر چه برجستتر نمود و ضرورت راه قهرآمیز را هر چه روشنتر ساختا سختی مبارزه هر چه روشنتر نمایان گردد و ماهیت خشن وقهرآمیز مبارزه های که در پیش است و در تناسب با بیرحمی ماهوی دشمن است هر چه عیانتر شود.

در چنین مبارزه های باید صفوف کومینستها و انقلابیون خالی از هرگونه تنازل و تردید باشد. شك در ماهیت چنین مبارزه های بمعنای ضعف و خلل در صفوف ماست.

تشدید حس کینه طبقاتی جایمهی را در کار تبلیغاتی و در کار خود سازی انقلابی میگیرد. برای ما کومینستها کین و نفرت بدشمن يك صفت خوب انقلابی است. ما میباید دشمن ما در مبارزه مرگ و زندگی در برابر ما قرار گرفته است. او بما کینه سبانه دارد و ما نیز احساس جوابگوی آن کینه را در سینه خود داریم. این احساس دشمنی طبقاتی که تا اعصاب رگ و ریشه ما قیمتی که باشد هست. این ماهیت و خصلت این حکومت است. حال اگر اینجا و آنجا به اقتضای مجبوراست قهرآمیز باشد. او مجبوراست طبقه مردم باشد. او ماهیتا در بی منافع خویش بهسر قیمتی که باشد هست. این ماهیت و خصلت این حکومت است. حال اگر اینجا و آنجا به اقتضای مصالح خود دست بعملیات فریبنده زند دلیل بر تمین این ماهیت نیست و ما نیز نباید برای مردم

سوم مساله ارزیابی نیروها: در سیم دیدگری که همه کومینستها و احزاب و سازمانهای مارکسیست لنینیستی باید از تجربه اندوختنی بگیرند مساله ارزیابی نیروها در شرایطی است که برولتاریا هنوز رهبری انقلاب را بدست نیاورده ولی در جنبه رهبری واحدی برهبری سایر نیروها شرکت دارد. هرچند که شرایط مساعد برای رشد حزب کومینست و مسایله مارکسیستی وجود داشته باشد هر چند که حزب دارای نفوذ در سیاست دولت و خصوصاً سیاست خارجی آن باشد نباید دچار غرور شود و به نیروی خود برهبا دهد و از دشمن غافل بماند. بهیچوجه نباید خصلت دوگانه بویزی وازی ملی و خصلت متزلزل خرده بورژوازی را از یاد برد. همیشه آماده این باشد که با کوچکتر بسز تغییر شرایطی امکان قتل عام کومینستها از طرف "میتن متفکرین او بسادگی موجود است. حزب باید برولتاریا نباید در ارزیابی نیروی دشمن - بزرگ ملی از او پشتیبانی میکنند خیال کند که دیگر کسی جرأت تعرض به او را ندارد. خیر دشمن سبیله گر و خد است باید هر لحظه آماده پیکار بود و تدارك مقابله با او را دید.

اکنون امپریالیسم آخرین دست پهای خود را میزند. به این دلیل او دستگرت روحشی تر شده است. او در هرگوشه جهان از بکار بردن هیچ وسیله ای ابا ندارد که نیروهای مترقی و بخصوص کومینستها را تا بود کند و دولتهای نسبتاً مستقل را براندازد و توکران حلقه بگوش خود را جانشین آنها سازد. حاصل رنج ملیونها انسان را تاراج کند و شرتنها ملی را غارت نماید. کومینستها و همه انقلابیون نباید با بدست آوردن کوچکترین پیروزی بدنیال وهم و خیال روند و آسوده بنشینند. به خصوص در کشورهای امپریالیسم و توکران ارتجاع همه کشورهای آشنا ساخت. برده بوشی بروی این ماهیت تقسیم امپریالیستها به خوب و بد و خوب نشان دادن گروهی از آنها یعنی چشم مردم را بروی واقعیت بستن است. به خصوص که در شرایط جدید روزیونستها درین با چنین تبلیغاتی میکوشد مردم را فریب دهد و ماهیت حقیقی امپریالیسم و ارتجاع را در لغافه های مختلف و به اسامی مختلف مستور سازد. بنابراین مبارزه با روزیونست معاصر با مبارزه با مبارزه با امپریالیسم انجام گیرد و رایشن راه نیز افشاکری لازم بعمل آید. این مبارزه باید از حدود حرف و شعوری نیز خارج گردد و مرحله عمل قدم گذارد. در داخل احزاب کومینست مبارزه با روزیونست در ساختمان حزب چه از لحاظ ایدئولوژیک و چه از لحاظ تشکیلاتی ظهور میکند. درک این مطلب و تطبیق آن در فعل و نظیفه واجب است. احزاب و سازمانهای کومینستی است. پیکار کشته اکنون در سراسر جهان درگیر است با این شکست یا آن پیروزی بهایان نمیدهد. این بیگاری بر سر مرگ و زندگی است که با نابودی کامل امپریالیسم و در رجعاول امپریالیسم آمریکا پایان حزب کومینست اند و نزی بروموضع مارکسیستی لنینیستی قرار نارد. او از این تجربه میاومزد و در این پیکار دوش بد و دوش همه مارکسیست - لنینیست های جهان و هکله خلقهای متکسک به مبارزه خود در برابر امپریالیسم و بورژوازی داده میبدهد. حزب را در جریان مبارزه مسلحانه دلال امپریالیسم و بورژوازی که حامل نفوذ امپریالیسم و بورژوازی است باید استقامت و شجاعت در مبارزه های طولانی سخت خود را به فرهنگ ضد استعماری نهد تا زمانیکه فرهنگ ضد استعماری و ملی بسازد. در مرحله انقلاب د مکرانیک و ملی بسازد. میبزند و بطور ریشه ای از بین برده نشود. امکان انجام وظایف این انقلاب وجود ندارد و تمام خونین در بریا زود اجتناب ناپذیر خواهد بود.



انقلاب قهرآمیز از راهی خلق های ایران است

تجاری از کودتای فاشیستی اندونزی

امریکای لاتین

شورش دانشجویان

زیم های نظامی امریکای لاتین میکوشند بهر قسمی از دخالت دانشجویان در امر سیاسی جلوگیری کنند. ولی دانشگاه که در این قاره همیشه گانون زنده مبارزات انقلابی بوده است همانطور که حوادث اخیر برزیل و آرژانتین نشان میدهد زیر بار دیکتاتورها نمیروند. میلیتاریست ها در برزیل بعد از در دست گرفتن حکومت دانشجویان را شدیدا تحت فشار قرار دادند. فعالین آنها را تارومار نمودند و رهبران آنها را بزدان انداختند. ایمن اقدامات گرچه برای مدت کوتاهی باعث فروکش فعالیت سیاسی دانشجویان گردید ولی بهیچوجه نتوانستند در غم آنها بهارزه خلقی پدید آورند. در ماه گذشته دانشجویان در سراسر برزیل دست تظاهرات عظیمی زدند و با شمارهای " سرگ بر استبداد " با خود آزادی هستیم مخالفت خود را با رژیم دیکتاتوری ابراز داشتند. این تظاهرات با سرکوبی شدیدی پاسخ داده گردید. چنانچه از دست برورده امریکا بدانگه طب ریزان و حمله نمودند و با شکنند در دانشجویانی را که بدانجا پناه برده بودند مورد ضرب و شتم قرار دادند. فقط در یکروز از این ماه " سر آتوب " مریضخانه های ریو بیش از صد نفر دانشجویی زخمی را جدا کردند. مبارزات دانشجویان با کتر شهرهای برزیل توسعه یافته است و زمانی که این منظور نوشته میشود هنوز ادامه دارد. آرژانتین نیز در همین زمان صحنه مبارزات وسیع دانشجویان بود که برای آزادی دانشگاه دست باعصاب و تظاهرات بزرگی زدند. اندر مرکز دانشجویان شهر موریلس فرماندار شهر را مسکول کشته شدن یکی از رفقای خود میدانند و برای برکناری او مبارز میکنند. روز هفتم اکثر دانشجویان در آرزما مرکز شهر را اشغال نمودند و شهر را تهدید به بخاوشی نمودند. عده ای از تظاهرکنندگان نیز ایستگاه فرستنده رادیو را اشغال نمودند و مردم را از رادیو پیام فرستادند. اکنون این مبارزه بد بگر شهرهای مکزیک بسط می یابد. شدت مبارزه دانشجویان در ماههای اخیر حد بود که مفسرین سیاسی از " شورش دانشگاه " در امریکای لاتین سخن میگویند و دانشجویان این قاره یکبار دیگر نشان میدهند که در مبارزات میهنی مردم خود سهم بزرگی دارند.

پرولتاریا و حزب آن نباشند نمیتوانند ماهیت ملی و دیکراتیک خود را برای مدت زیادی حفظ کنند و در بریا زود عوامل ارتجاع و امپریالیسم یعنی ضد دیکراتیک و ضد ملی (در آن دستگاه رشد میکنند و در فرصت مناسب تاریخی میتوانند ضربه بزنند، بنابراین در زمان ما برای حزب پرولتاریا تنها اعمال نفوذ سیاسی کافی نیست بلکه با بد ابتکار بقدرت مسلح خلق بنماید و از همه آزاد بیا. شبکه در چنین شرایط مساعدی برای او فراهم میشود استفاده کند تا خود را مردم را مسلح نماید تا بتواند حمله احتمالی دشمن را هر لحظه جوابگو باشد قهر ضد انقلابی او را با اعمال قهر انقلابی پاسخ گوید و فریب دیکراتیک ظاهری را تا زمانیکه ارتش و دستگاه اداری تبدیل به ارتش مردم و دستگاه اداری مردم نشده اند و عوامل ارتجاع در آن نفوذ دارند و نخورد و هر لحظه آملازگی بورژوازی ارتجاع را داشته باشد. بنابراین میتوانیم بطور خلاصه بگویم که تجربیات زیر را از حادثه اندونزی میتوان گرفت:

اول ساله تدارک: در شرایطی که حزب پرولتاریا رهبری دولت و جنبه واحد ملی را در دست نداشت و بطریق اولی ارتش و دستگاه اداری تحت نفوذ بورژوازی و یا حتی ارتجاع قرار داده باید در زمینه سیاسی تدارک بیند. یعنی با کار مداوم سیاسی و روشن کردن مواضع خود و نروشنی های اصولی و در تعیین شعارهای صحیح و تقویت رستب دولت بطور مستقیم در تعیین سیاست داخلی و خارجی تاثیر بگذارد و از طرف دیگر ذهن توده ها را روشن کند و آنها را برابر توطئه های ارتجاع هشیار سازد. با کار توده های وسیع و ایجاد سازمانهای توده های مختلف و احراز رهبری سازمانهای توده های موجود آجمنان وسیله ای فراهم سازد که بتواند تا حدودی ضمانتهای برای نگهداری دست تارود های دیکراتیک خلق داشته باشد. هر چه کار توده های حزب وسیعتر و هر چه سازمانهای توده های وسیعتر و متشکله تر بنهال حزب باشند ضمانت بهتری برای جلوگیری از ضربه ارتجاع و با مقابله با آن در صورت لزوم وجود دارد. اینها بمعنای استفاده از همه امکانات است که در چنین حکومتهایی برای حزب پرولتاریا وجود دارد و باید حد اکثر استفاده را از آن بنماید. اما ایمن بمعنای آن نیست که به کار مخفی کم بها دهد. برعکس با استفاده از همه امکانات طنی، حزب باید تشکیلات مخفی زنده، متحرک و محکم داشته باشد و این تشکیلات را استخوانبندی اصلی حزب قرار دهد. کوچکترین سهل انگاری در مخفی نگه داشتن آن بهمت وجود شرایط مساعد نماند. در چنین صورتیست که در حالت حمله ارتجاع امکان مخفی شدن حزب ادامه مبارزه و تطابق سریع با شرایط جدید وجود دارد. یک لایه ابتکار دقت در عضوگیری و سختگیری در مورد کیفیت انقلابی افراد را و طلب عضویت در حزب میباشد تا با کوچک نگاه داشتن سازمان تحریک آن تامین شود و در ضمن کیفیت حزب در مجموع بالا باشد. مساله تدارک در زمینه مسلح کردن توده های مردم مخصوصا دهقانان و کارگران نقض میهنی بازی میکند مسلح کردن مردم و آمادگی آنان برای دفاع از حقوق دیکراتیک و منافع ملی بالاترین تضمین جلوگیری از حمله و همچنین مقابله با بورژوازی ارتجاع میباشد. در بهترین دیکراتیک بورژوازی نیز حزب باید از این مساله غافل نماند. و نه تنها خود را مسلح کند بلکه مهمتر از آن توده های مردم را مسلح سازد و آنها را برای دفاع از حقوق خود آماده کند.

کشور در عین حال متعلق به همه جهان است و بخصوص در شرایط کنونی میتوان شباهتهای زیاد در مبارزات ضد امپریالیستی خلقهای مختلف یافت. تعیین حد و این شباهتها و آموختن تجربیات مثبت و منفی همه نهضتها برای ما انقلابی ایران نیز ضروریست. برای بررسی این مساله لازم است که نگاهی بگذشته بیاوریم و در این مقاله بطور مختصر انقلاب اندونزی را مطالعه کنیم. حزب کمونیست اندونزی در شرایط استبدادی و پس از شکست فاشیسم و جانفشین شدن دموکراسی هندی بر آن در نهضت ضد استعماری خلقهای اندونزی شرکت نمود و در پیرون راندن استعمار از اندونزی و تامین وحدت خلقهای اندونزی نقش بس میهنی را ایفا نمود. پس از بدست آوردن استقلال ملی فد اکا رها و جانانیهای کمونیست اندونزی توانست جای ارزنده ای برای آنها در قلب خلق اندونزی باز کند بطوریکه کمونیستها یکی از ارکان سه گانه دولت انقلابی اندونزی که بر پایه وحدت نیروهای ملی تشکیل شد بودند. این دولت که از اتحاد تاسیونالیستها، مسلمانان و کمونیستها تشکیل شده بود و سیاست داخلی خود را بر اساس این وحدت تعیین مینمود تحت رهبری یک جناح شرقی بورژوازی بود. سوکارتو که در جریان مبارزات استقلال طلبانه مقام رهبری نهضت را اشغال کرده بود، بعنوان مظهر ایمن اتحاد سه گانه شناخته میشد. در چنین شرایط مساعدی حزب کمونیست اندونزی با اینکه در سالهای ۱۹۲۷ تا ۱۹۴۱ در چار ضرات شدیدی شده بود و تقریبا تمام رهبری خود را از دست داده بود توانست تحت رهبری رفیق آردیت بهرمت توسعه یابد و دو باره مقام میهنی را در سیاست کشور بگیرد. حزب کمونیست اندونزی در طول کمتر از سمت سال گذشته تمداد اضافی قدرت امپریالیسم نوکست بلکه باید طت آزاد را غنبتا تود های و دین نهضت جستجو کرد. اگر روزی نهضتها با بیش از بیست ملین ضور را رهبری میکرد. آن همیشه سعی میکنند شکست های استرا تا و به یک عامل موثر در سیاست اندونزی تبدیل شده نهضتها را طلا در سازمان جاسوسی امریکا جستجو بوده بطوریکه ارتجاع داخلی و امپریالیسم راوریز به کند، این جز قرار از حقیقت نیست و بمعنای آنست روز وحشت زده تر میگرد. نمونه ای از این وحشترا که آنان هیچگاه نخواهند توانست از تاریخ بجا بوزند بخوبی در رد پیشنهاد ح. ک. ا. در دو سال و همواره شکست خواهند خورد. مارکسیست - گد شده میتوانیم بینیم. حزب در آن موقع برای دفاع لنینیستها چنین برخوردی با تاریخ تدارکند. با از منافع ملی اندونزی و در هم شکنند دولت آنکه آنها در ارزیابی امپریالیسم و دستگاه پلیسی پوشالی مالزیا که بطور مصنوعی برای حفظ منافع او در چار اشتباه نمیشود و به آن کم بها نمیدهند امپریالیستها بهم چسبانده شده پیشنهاد تسلیم در عین حال هیچگاه طل اصلی شکست را بپای خلق و بخصوص کارگران و دهقانان را نمود و لسی آنها نمیتوانستند بلکه میدانند که این دستگاه فقط این پیشنهاد بر اثر فشار ارتش و محافظ محافظه از طریق عوامل داخلی است که میتواند اینچنین کار رود شد.

لکنون یکسال از کودتای فاشیستی ضد ملی اندونزی میگردد. این کودتا در سلسله کودتای های امپریالیستی از لحاظ موقعیت خاص اندونزی و از لحاظ میزان وحشیگری و خونخواری آن و ضربه ای که بر نیروهای انقلاب وارد آمده است چای میهنی را اشغال میکند. بیرون وحشیانه ارتجاع با کشتار صد ها هزار تن از مردم آزاد بخواه اندونزی و در پیشاپیش آنها کمونیستهای اندونزی فصل در انگیزی در تار و پود مبارزات بشری میگشاید. در هیچ جنگ آزادی پختی و حتی در هیچ جنگی (غیر از دو جنگ بین المللی اخیر) تلفات باین شمار نبوده است. با این کودتا رژیم ترور و فشار سایه خود را بر سر اندونزی گسترده. همه دست آورده های دیکراتیک خلق اندونزی در ظرف چند روز به باد فنا رفت. همه سازمانهای توده های شرقی در معرض هجوم ارتجاع قرار گرفتند و مردان و زنان آزاد بخواه بیرحمانه قتل نام شدند. با گذشت هر روز چهره وابستگی با امپریالیسم این کودتا بیشتر نشان داد. هر استالینی که در زمینه های سیاسی اقتصاد و فرهنگی بدست آمده بود پایمال شد و امریکای بوسه ارتجاع داخلی همه منافعی اندونزی را لگ مال کرد و راههای طارت و چپاول کشور را بروی خود گشود. کودتای فاشیستی اندونزی فقط دارای این جنبه های منفی نیست. این در عین حال درس بزرگی تاریخی است. این تجربه تاریخی که مشحون از خون صد ها هزار مبارز آزاد بخواه است فقط مختص باندونزی هم نیست. انقلابیون همه کشورها و مردم سراسر جهان باید از آن درس بگیرند و زیرا با اینکه امپریالیسم در همه جا بهر وسیله ای حصول میشود که جنبشهای شرقی ضد امپریالیستی را سرکوب کند باز چنین شکستی را نمیتوان بحساب قدرت امپریالیسم نوکست بلکه باید طت آزاد را غنبتا تود های و دین نهضت جستجو کرد. اگر روزی نهضتها با بیش از بیست ملین ضور را رهبری میکرد. آن همیشه سعی میکنند شکست های استرا تا و به یک عامل موثر در سیاست اندونزی تبدیل شده نهضتها را طلا در سازمان جاسوسی امریکا جستجو بوده بطوریکه ارتجاع داخلی و امپریالیسم راوریز به کند، این جز قرار از حقیقت نیست و بمعنای آنست روز وحشت زده تر میگرد. نمونه ای از این وحشترا که آنان هیچگاه نخواهند توانست از تاریخ بجا بوزند بخوبی در رد پیشنهاد ح. ک. ا. در دو سال و همواره شکست خواهند خورد. مارکسیست - گد شده میتوانیم بینیم. حزب در آن موقع برای دفاع لنینیستها چنین برخوردی با تاریخ تدارکند. با از منافع ملی اندونزی و در هم شکنند دولت آنکه آنها در ارزیابی امپریالیسم و دستگاه پلیسی پوشالی مالزیا که بطور مصنوعی برای حفظ منافع او در چار اشتباه نمیشود و به آن کم بها نمیدهند امپریالیستها بهم چسبانده شده پیشنهاد تسلیم در عین حال هیچگاه طل اصلی شکست را بپای خلق و بخصوص کارگران و دهقانان را نمود و لسی آنها نمیتوانستند بلکه میدانند که این دستگاه فقط این پیشنهاد بر اثر فشار ارتش و محافظ محافظه از طریق عوامل داخلی است که میتواند اینچنین کار رود شد.

منتشر شد

جنگ پارتیزانی

درویتنام

از هوانگ وان شای

ضمیمه: برنامه جنبه ملی آزاد پیچش ویتنام جنوبی

در نظر بعضی عجب می نماید که چگونه دولتی که بر پایه وحدت نیروهای ملی تشکیل شده و بسا مبارزات ضد امپریالیستی بر سر کار آمده و حتی تجربه تاریخی را بطور دقیق جمع بندی میکند و از آن نتایج آموزنده ای برای کار خود درآیند هم میگرد. ما مطمئیم که رفقای اندونزی دو باره در پیشاپیش صفوف خلق با استفاده از این تجربه نهضت را - این دولت را تحت مطالعه قرار دهیم مساله هر چه توی تر و مستحکمتر از یک پیروزی پیروزی دیگر هدایت خواهند کرد. هم اکنون میتوان در قسمتهایی از اندونزی استحکام صفوف حزبی و آغاز جنگ ضد فاشیستی و نهضت مقاومت مسلحانه تحت رهبری کمونیستها را مشاهده کرد. ایمن یشارت گواهی بر آنست که حزب کمونیست اندونزی با وجود تمام ضربه ها و آذوقه در آری قدرت و تحرک است که باین زودی شروع حمله متقابل نموده است. اما بشر ما بررسی این مسئله از جانب سایر احزاب و سازمانهای مارکسیستی لنینیستی و انقلابی ضروریست تا از آن در سبای لازم برای عمل انقلابی در کشورهای خود بگیرند. نهضت پرولتاری هر جنبه متحد ملی بوجود میآیند، اگر تحت رهبری

در نظر بعضی عجب می نماید که چگونه دولتی که بر پایه وحدت نیروهای ملی تشکیل شده و بسا مبارزات ضد امپریالیستی بر سر کار آمده و حتی تجربه تاریخی را بطور دقیق جمع بندی میکند و از آن نتایج آموزنده ای برای کار خود درآیند هم میگرد. ما مطمئیم که رفقای اندونزی دو باره در پیشاپیش صفوف خلق با استفاده از این تجربه نهضت را - این دولت را تحت مطالعه قرار دهیم مساله هر چه توی تر و مستحکمتر از یک پیروزی پیروزی دیگر هدایت خواهند کرد. هم اکنون میتوان در قسمتهایی از اندونزی استحکام صفوف حزبی و آغاز جنگ ضد فاشیستی و نهضت مقاومت مسلحانه تحت رهبری کمونیستها را مشاهده کرد. ایمن یشارت گواهی بر آنست که حزب کمونیست اندونزی با وجود تمام ضربه ها و آذوقه در آری قدرت و تحرک است که باین زودی شروع حمله متقابل نموده است. اما بشر ما بررسی این مسئله از جانب سایر احزاب و سازمانهای مارکسیستی لنینیستی و انقلابی ضروریست تا از آن در سبای لازم برای عمل انقلابی در کشورهای خود بگیرند. نهضت پرولتاری هر جنبه متحد ملی بوجود میآیند، اگر تحت رهبری

در نظر بعضی عجب می نماید که چگونه دولتی که بر پایه وحدت نیروهای ملی تشکیل شده و بسا مبارزات ضد امپریالیستی بر سر کار آمده و حتی تجربه تاریخی را بطور دقیق جمع بندی میکند و از آن نتایج آموزنده ای برای کار خود درآیند هم میگرد. ما مطمئیم که رفقای اندونزی دو باره در پیشاپیش صفوف خلق با استفاده از این تجربه نهضت را - این دولت را تحت مطالعه قرار دهیم مساله هر چه توی تر و مستحکمتر از یک پیروزی پیروزی دیگر هدایت خواهند کرد. هم اکنون میتوان در قسمتهایی از اندونزی استحکام صفوف حزبی و آغاز جنگ ضد فاشیستی و نهضت مقاومت مسلحانه تحت رهبری کمونیستها را مشاهده کرد. ایمن یشارت گواهی بر آنست که حزب کمونیست اندونزی با وجود تمام ضربه ها و آذوقه در آری قدرت و تحرک است که باین زودی شروع حمله متقابل نموده است. اما بشر ما بررسی این مسئله از جانب سایر احزاب و سازمانهای مارکسیستی لنینیستی و انقلابی ضروریست تا از آن در سبای لازم برای عمل انقلابی در کشورهای خود بگیرند. نهضت پرولتاری هر جنبه متحد ملی بوجود میآیند، اگر تحت رهبری